



Research Article

A Study of the Effect of Islamic Anthropological Principles on Islam's Educational System in the Idea of 'Allāmah Mesbāh Yazdi¹

Hadi Hamtian

The fourth level of the seminary, Islamic counseling (family and marriage orientation), Qom, Iran (**Corresponding author**), Hadavi5@yahoo.com

Mehdi Hamtian

Ph.D., Qur'an and Law, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
hemmat110@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to explain the effect of Islamic anthropological principles in the Islam's educational system using the ideas of 'Allāmah Mesbāh Yazdi. To this aim, the impact of anthropological foundations mentioned by him on the Islamic educational system was analyzed using a descriptive-analytic method. The first target of educational systems is to identify different aspects of human existence as one of the basic propositions in setting educational principles. Each of the anthropological propositions are influential in an aspect; accordingly, it is significantly necessary to recognize the impact of those foundations as basic and fundamental propositions on the educational system to foster structures, resolve problems, and criticize the opposite views such as postmodernism. Thus, the current study, by extracting 20 anthropological foundations mentioned in the books of Mesbāh Yazdi, deals with the analysis of their role on purposes, principles, domains, factors, obstacles, procedures, and methods of education as main components in Islamic educational system including: purposefulness, having multi-dimensional aspects, and spiritualism.

Keywords: Anthropological Principles, Islam's Educational System, 'Allāmah Mesbāh Yazdi, Soul.

-
1. **Cite:** Hamtian, H. & Hamtian, M. (2023). A Study of the Effect of Islamic Anthropological Principles on Islam's Educational System in the Idea of 'Allāmah Mesbāh Yazdi. *Research Quarterly Of Islamic Education and Training*, 4(1), P.7-32. **DOI:** 10.22034/riet.2023.13540.1168

Received: 2022/12/28; **Received in revised form:** 2023/01/29; **Accepted:** 2023/03/03; **Published online:** 2023/03/23

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university



بررسی تأثیر مبانی انسان‌شناختی اسلامی بر نظام تربیتی اسلام در اندیشه علامه مصباح یزدی^۱

هادی همیتیان

سطح چهار حوزه علمیه، مشاوره اسلامی (گرایش خانواده و ازدواج)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Hadavi5@yahoo.com

مهدی همیتیان

دکتری، قرآن و حقوق، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران. hemmat110@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین تأثیر مبانی انسان‌شناختی اسلامی در نظام تربیتی اسلام با استفاده از نظرات علامه مصباح یزدی است. بدین منظور با روش توصیفی-تحلیلی آثار مبانی انسان‌شناختی مطرح شده توسط ایشان در نظام تربیتی اسلام تبیین و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. اولین مسئله پیش‌روی نظام‌های تربیتی، شناخت ابعاد وجودی انسان به‌عنوان گزاره‌های اولیه برای طراحی نظام تربیتی است. هرکدام از گزاره‌های انسان‌شناختی در بخشی از نظام تربیتی تأثیرگذارند؛ براین اساس شناسایی تأثیر مبانی به‌عنوان گزاره‌های اساسی و بنیادین نظام تربیتی به جهت تقویت سازه‌ها، برطرف کردن اشکالات و نقد دیدگاه‌های مخالف همچون پست‌مدرنیسم، مهم و ضروری است. از این‌رو، پژوهش حاضر با استخراج ۲۰ مبنای انسان‌شناختی مطرح شده در آثار علامه مصباح، به بررسی جایگاه آن‌ها در اهداف، اصول، ساخت‌ها، عوامل، موانع، مراحل و روش تربیت به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی نظام تربیت اسلامی پرداخته است که عبارتند از: هدفمندی، چندبعدی بودن، اصالت روح، جاودانگی روح، مراتب طولی و شئون عرضی روح، تغییرپذیری تدریجی روح و بدن، تأثیرگذاری روح و بدن بر یکدیگر، وجود فطرت الهی، کمال‌جویی، اثرگذاری رفتارها، وابستگی رفتار اختیاری به بینش‌ها و گرایش‌ها، بندگی، مسئول بودن، برخورداری از اختیار و کرامت ذاتی و اکتسابی، اجتماعی بودن، تفاوت استعدادها، ضعف، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از موجودات دیگر، نیازمند بودن به وحی.

کلیدواژه‌ها: مبانی انسان‌شناسی، نظام تربیتی اسلام، علامه مصباح یزدی، روح.

۱. **استناد به این مقاله:** همیتیان، هادی؛ همیتیان، مهدی (۱۴۰۲). بررسی تأثیر مبانی انسان‌شناختی اسلامی بر نظام تربیتی اسلام در اندیشه

علامه مصباح یزدی، پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۱)، ص ۷-۳۲. DOI: 10.22034/riet.2023.13540.1168

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳

۱. مقدمه

اولین مسئله پیش‌روی نظام‌های تربیتی، شناخت ابعاد وجودی انسان به‌عنوان مبانی و گزاره‌های اولیه برای تدوین نظام تربیتی است. نظام تربیتی اسلام همچون سایر نظام‌های تربیتی از اجزائی شکل گرفته که برای رسیدن به هدف واحد، باهم ارتباط چندسویه دارند. این اجزاء عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل و موانع و روش تربیتی. مبانی نسبت به سایر اجزاء از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ به جهت آنکه در همه نظام‌های تربیتی، به‌عنوان پایه و اساس مطرح‌اند؛ به‌طوری‌که اهداف، اصول و روش‌های تربیتی براساس آن‌ها شکل می‌گیرد و ساختار نظام‌های تربیتی براساس نوع مبانی پدید می‌آید. مبانی براساس نقشی که در یک علم ایفا می‌کنند، در علوم مختلف مورد بحث قرار می‌گیرند و به مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، الهیاتی، ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی تقسیم می‌شوند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۵). در پژوهش حاضر به مبانی انسان‌شناختی و با رویکردی فلسفی به عنوان مسئله‌ای از مسائل فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته می‌شود.

مبانی انسان‌شناختی از مسائل مهم در فلسفه تعلیم و تربیت هستند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۳). مسئله اساسی در نظام‌های تربیتی، مشخص شدن ابعاد وجودی و ویژگی‌های ذاتی و فطری انسان است؛ به‌گونه‌ای که اگر ابعاد وجودی در انسان مشخص نشوند و بین آن‌ها تفکیک نگردد، نوعی سردرگمی در تعیین اهداف و برنامه‌ریزی تربیتی پیش می‌آید؛ به‌طور مثال چنانچه طراح ساختمان، اجزاء ساختمان را به‌درستی نشناسد و اهداف کاربری آن‌ها را نداند، نمی‌تواند نقشه مناسبی ترسیم کند. بر این اساس، مبانی انسان‌شناختی، گزاره‌های اخباری برآمده از دلایل معتبر در مورد ابعاد وجودی و ویژگی‌های فطری انسان هستند که به عنوان بنیان و اساس در تدوین برنامه تربیتی در نظام‌های تربیتی مطرح می‌شوند و نقش کلیدی در همه مولفه‌های نظام تربیت دارند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۲۲).

در دوران کنونی، رویکرد پست‌مدرنیسم، بنیان و اساس گزاره‌های تربیتی نظام‌های رایج در کشورهای غربی را شکل داده است. پست‌مدرنیسم بیانگر تعدد و تکثر ارزش‌ها و نسبیت حقیقت است. رویکردی است که به عدم وجود واقعیت و عدم اطمینان نسبت به عقلانیت و پیشرفت، تقدس‌زدایی و نفی کلیت‌گرایی و شکاکیت نسبت به همه چیز دعوت می‌کند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷-۲۵). پست‌مدرنیسم، اختلافات بنیادینی با مبانی فلسفه اسلامی دارد. از این‌رو طرح، تبیین و بررسی مبانی انسان‌شناختی اسلامی و نقش و تأثیر آنها در نظام تربیتی اسلام، به عنوان طلیعه‌ای برای نقد و بررسی دیدگاه پست‌مدرنیسم و ارائه دیدگاه اسلامی، مسئله‌ای مهم و ضروری قلمداد می‌شود.

اهمیت مسئله، در تحقق فرایند تربیت اسلامی نیز دیده می‌شود. تربیت به معنای تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت‌گرایی‌ها و شکوفاسازی هم‌هنگ استعدادهای و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی، به‌منظور رسیدن به کمال مطلوب با استفاده از آموزه‌های اسلامی، متوقف بر مبانی انسان‌شناختی اسلامی است. از این‌رو، شناخت مبانی و به‌طور خاص، مبانی انسان‌شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بررسی منابع و اسناد مرتبط با آثار علامه مصباح یزدی، به دنبال بررسی مبانی انسان‌شناختی و آثار آن‌ها در نظام تربیتی اسلام است. روش تحلیل داده‌ها، از نوع تحلیل کیفی است. در این راستا، ابتدا مبانی انسان‌شناختی اسلامی که علامه مصباح یزدی در آثار خویش مطرح نموده، استخراج شده و در ادامه مبانی استخراج شده به روش اجتهادی مورد تحلیل قرار گرفته، سپس نقش آنها در نظام تربیتی اسلام تبیین شده است. بنابراین، در این نوشتار سعی می‌شود به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

۱) براساس اندیشه علامه مصباح یزدی، مبانی انسان‌شناختی اسلامی در نظام تربیتی اسلام کدام‌اند؟

۲) براساس اندیشه علامه مصباح یزدی، نقش و تأثیر هر کدام از مبانی انسان‌شناختی، در نظام تربیتی اسلام چگونه است؟

در پرتو پاسخ به سؤال‌های فرعی فوق، به سؤال اصلی نوشتار مبنی بر تأثیر مبانی انسان‌شناختی اسلامی در نظام تربیتی اسلام از منظر علامه مصباح یزدی، پاسخ داده شود.

۲. پیشینه پژوهش

براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، تاکنون در پژوهش مستقلی به تأثیر مبانی انسان‌شناختی اسلامی در نظام تربیتی اسلام پرداخته نشده است؛ اما به‌طور کلی برخی پژوهش‌ها زمینه پژوهش حاضر محسوب می‌شوند، از جمله:

فقیهی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی»، به هفت مبنای انسان‌شناختی می‌پردازند که عبارتند از: برخورداری از فطرت خداجو، وجود عزم و اراده، وجود مرکب جسمانی روحانی، کمال‌طلبی، امکان تزکیه نفس، انجام رفتار اختیاری. ذیشان (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «مبانی انسان‌شناختی، تربیت دینی در احادیث امیرالمؤمنین (ع)»، به مبانی‌ای همچون وابستگی انسان به خداوند، برخورداری از اختیار و قوه عاقله،

ضعیف و محدود بودن، مرکب از روح و جسم بودن و تأثیرپذیری از دوستان و اطرافیان می‌پردازد. حسینی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مبانی انسان‌شناختی قرآن در تمدن‌سازی تربیت‌محور (با تکیه بر تفسیر المیزان)»، به ویژگی‌های نفس و هویت اجتماعی و جمعی آن پرداخته است. توجه به پژوهش‌های پیشین، نشان‌دهنده عدم فراگیری و عدم جامعیت نسبت به مراتب مختلف مبانی انسان‌شناختی است؛ در پژوهش‌های صورت‌گرفته به‌صورت جزئی به برخی از مبانی انسان‌شناختی پرداخته شده، در حالی‌که پژوهش حاضر با مرور آثار علامه مصباح به ابعاد گسترده‌تر و جامع‌تری از مبانی انسان‌شناختی می‌پردازد. از طرف دیگر، در پژوهش‌های سابق به نقش و جایگاه مبانی انسان‌شناختی در نظام تربیتی اسلام پرداخته نشده است؛ از این‌رو، ابتکار پژوهش حاضر تعیین و تبیین نقاط اثرگذار مبانی انسان‌شناختی اسلامی در نظام تربیتی اسلام با استفاده از نظرات علامه مصباح است. بدین صورت که نخست بیست مبانی انسان‌شناختی در نظام تربیتی اسلام از آثار علامه مصباح استخراج نموده و در ادامه به اثرگذاری آن مبانی در نظام تربیت اسلامی می‌پردازد.

۳. یافته‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر تعیین مبانی انسان‌شناختی و نقش آن‌ها در نظام تربیتی اسلام براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی بود؛ براین اساس یافته‌های پژوهش حاضر بدین قرارند:

۳-۱. جهت‌مندی معنوی اهداف در نظام تربیتی اسلام

هدف تربیت، نتیجه‌ای است که حصول آن با انجام رفتارهای مشخص و برنامه‌ریزی شده از نظر صاحب‌نظران مطلوب بوده و شایسته است به‌عنوان امر مطلوب در برنامه‌های آموزشی و تربیتی موردنظر قرار گیرند و همه تلاش مری و متربی برای دستیابی به آن‌ها صورت گیرد (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳). از نگاه اسلام، انسان موجودی هدفمند آفریده شده^۱ و اساساً نوع آفرینش انسان به گونه‌ای است که هیچ رفتار اختیاری از او بدون هدف انجام نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۲۵۲). براساس این دو مقدمه، توجه به دو مسئله در نظام تربیتی اسلام حائز اهمیت می‌شود؛ نخست: تعیین اهداف؛ دوم ریل‌گذاری و فراهم کردن شرایط در نظام تربیتی برای رساندن متربیان به آن اهداف.

۱. مؤمنون، ۱۱۵؛ «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا؛ آیا گمان می‌کنید شما را بی‌هوده (بی‌هدف، عاطل و باطل) آفریدیم؟».

علامه مصباح براساس مبنای هدفمندی انسان، اهداف نظام تربیتی اسلام را مشخص نموده است. اهداف نظام تربیتی اسلام در دو دسته اهداف غیرنهایی و نهایی تعریف می‌شوند. هدف نهایی قرب الی‌الله است و اهداف غیرنهایی هر آنچه که زمینه‌ساز رسیدن به هدف نهایی باشد؛ همچون فراهم کردن آگاهی‌ها، مهارت‌ها و به فعلیت رساندن استعدادها و مانند آنها برای رسیدن به هدف نهایی. شایان ذکر است که آنچه نظام‌های تربیتی را از یکدیگر جدا می‌سازد، اهداف نزدیک یا میانی نیست، بلکه هدف نهایی است که اهداف دیگر مقدمه‌ای برای دستیابی به آن به‌شمار می‌روند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۷). بنابراین، براساس مبنای هدفمند بودن انسان، اهدافی در نظام تربیتی اسلام تعریف شده و برای رسیدن به آنها سازوکارهای مختلفی تبیین می‌شود.

۳-۲. توجه توأمان به جسم و روح در نظام تربیتی اسلام

براساس آموزه‌های اسلامی، انسان، موجودی چندبعدی بوده که از روح و جسم ساخته شده است. ترکیب انسان از روح و بدن هم به‌واسطه معرفت عقلانی و هم به‌وسیله معرفت وحیانی، قابل اثبات است؛ یکی از استدلال‌های فیلسوفان مسلمان، فهم یگانگی «من» در وجود انسان‌ها در ادوار مختلف است؛ همه انسان‌ها از بدو تولد تا هنگام مرگ، خود را یگانه می‌یابند و «من» در انسان‌ها تغییر نمی‌کند (صغرای استدلال). تغییر از ویژگی‌های غیرقابل انکار موجود جسمانی است^۱ (کبرای استدلال)؛ پس «من» موجود جسمانی نیست. بنابراین، انسان علاوه بر وجود مادی، وجودی غیرمادی هم دارد (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۶۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۳۵۷). از طرف دیگر، در آموزه‌های دینی نیز وجود بُعد روانی امری تردیدناپذیر قلمداد شده است، «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»^۲.

علامه مصباح یزدی براساس ادله عقلی و وحیانی، انسان را موجودی دو بعدی معرفی می‌کند و براساس این مبنای انسان‌شناختی در پنج جزء از اجزاء نظام تربیتی اسلام تبیین مشخصی ارائه می‌کند. این مبنا نخست در تبیین اهداف ایفای نقش می‌کند؛ توجه به هر دو بُعد انسان به صورت توأمان در اهداف نزدیک و متوسط و تعیین اهداف بر این اساس؛ بدین جهت با توجه به بعد روانی و ویژگی‌های آن، هدف نهایی، «قرب الی‌الله» تعیین شده و برای رسیدن به آن، اهداف میانی مشخص شده‌اند، در

۱. هر انسانی به علم حضوری تغییرپذیری موجود مادی و جسمانی را دریافته است و تاکنون هیچ جسمی را ندیده که بر اثر مرور زمان تغییر نکرده باشد.

۲. صاد، ۷۲؛ مؤمنون، ۱۴.

حالی که به اهداف نزدیک و متوسط نسبت به ساحت جسمانی نیز توجه شده است (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵). دومین جهت تأثیرگذار این مبنا در تدوین اصول نظام تربیتی اسلام مشخص می‌شود. اصول، نقش راهنمای عملیاتی نظام تربیتی را دارند و نحوه به کار بستن اهداف، روش‌ها و عوامل تربیت و سایر اجزاء را مشخص می‌کنند. به طور نمونه اصل جامع‌نگری (توجه همزمان به جسم و روان) که برآمده از این مبناست، چنین می‌گوید: باید به همه ابعاد و ساحت‌های انسان توجه شود و نباید هیچ جهتی و نیازی در انسان فراموش گردد (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۰۴).

سومین اثر این مبنا در تبیین ساحت‌های مختلف مربوط به جسم و روح مشخص می‌شود. براساس این مبنا لازم است در نظام تربیتی علاوه بر ساحت جسمانی، به بُعد روانی و ساحت‌های آن؛ همچون ساحت بینشی، گرایشی و رفتاری پرداخته شود. چهارمین اثر از این مبنا مربوط به تبیین عوامل و موانع رسیدن به اهداف تربیت مؤثر است؛ با توجه به این مبنا، عوامل و موانع مربوط به هر دو بُعد مورد نظر قرار می‌گیرند و هرچه که تأثیر مثبت یا منفی در رسیدن به هدف دارد؛ چه مربوط به ساحت جسمی و چه مربوط به ساحت روانی باشد، مورد نظر قرار می‌گیرد؛ از این رو، عوامل و موانع تربیت به درونی (مربوط به روان) و بیرونی تقسیم می‌شوند.

پنجمین اثر از این مبنا در تعیین و تبیین روش‌های تعلیم و تربیت دیده می‌شود؛ به طور نمونه روش‌های مربوط به محتوا با توجه به اهداف بینشی و گرایشی همچون روش استدلالی یا روش شهودی، براساس این مبنا تعیین می‌شوند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵).

۳-۳. اصالت روح در نظام تربیتی اسلام

اصالت روح بدین معناست که قوام انسانیت انسان به روحش است. حقیقت وجودی انسان با وجود مواد تشکیل‌دهنده در بدن ایجاد نمی‌شود. به تعبیر فیلسوفان، روح صورت است برای ماده جسمانی؛ صورت است که به ماده تشخص می‌دهد؛ از این رو تا زمانی که روح باشد، انسان، انسان خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۳۳۲). برای تعیین اصالت در مورد روح یا بدن لازم است، مهم‌ترین ویژگی‌های انسان و محل آن‌ها مشخص شود. با دقت عقلی می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های انسان را قدرت اراده، تفکر، آزادی، اختیار، عشق و محبت معرفی نمود. جایگاه اصلی تمام ویژگی‌هایی که ذکر شد، روح آدمی است و همگی از آن سرچشمه می‌گیرند و بدن مادی در مورد آن‌ها ابزاری بیش نیست. از نظر قرآن کریم نیز اصالت با روح است؛ چنانچه حضرت آدم هنگامی سزاوار سجده فرشتگان

می‌گردد که روح الهی در او دمیده شد.^۱ همچنین مرگ در قرآن کریم انتقال تمام حقیقت انسان از عالمی به عالم دیگر معرفی شده است^۲ (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۷).

از منظر علامه مصباح، با توجه به مبنای اصالت روح، تأثیراتی در اهداف، اصول، عوامل، موانع و روش‌های تربیتی دیده می‌شود. نخست اولویت روح نسبت به جسم در هدف‌گذاری‌ها است؛ بدین صورت که در نظام تربیتی اسلام، پرورش و استکمال روح، به‌عنوان هدف عام مشخص می‌شود؛ از این‌رو، در موارد تراحم، میان خواسته‌های مربوط به روح و خواسته‌های مربوط به جسم، با توجه به اصالت روح، پرورش روح دارای اولویت است. دومین تأثیر این مبنا در تبیین اصول نظام تربیتی اسلام است. با توجه به این مبنا، اصل اولویت در هنگام تراحم میان تربیت روح و جسم مطرح می‌شود و حکم به تقدم تربیت مربوط به روح می‌کند. سومین تأثیر، مربوط به عوامل و موانع نظام تربیتی اسلام است. براساس این مبنا عوامل و موانع درونی و مربوط به روان، نسبت به عوامل و موانع بیرونی مقدم‌اند. چهارمین اثر این مبنا تمرکز و توجه اصلی به روش‌های تربیتی معطوف به روش‌های محتوایی به شکل‌های عقلی- استدلالی و رفتاری است که مربوط به فرایند انگیزش و نظام روانی افراد می‌شوند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۷).

۳-۴. جاودانگی روح انسان در نظام تربیتی اسلام

فناناپذیری روح از نتایج غیرمادی بودن آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۶). در قرآن کریم آیاتی بر جاودانگی روح دلالت می‌کنند:^۳ «بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ ولی شما ای مردم! زندگی دنیا را بر آن رستگاری، مقدم می‌دارید * با اینکه زندگی آخرت خیر محض و فناناپذیر است».^۴ در سخنان معصومان(ع) نیز دنیا گذرگاهی موقت به‌شمار آمده که مقدمه رفتن به زندگی جاوید است (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۸، ص ۷۸؛ ج ۷۰، ص ۱۳۰).

در نظر علامه مصباح کیفیت جاودانگی روح در اهداف، اصول، عوامل و موانع تربیتی اسلام تأثیر مستقیم دارد؛ از این‌رو، در نظام تربیتی اسلام، اهداف تعلیم و تربیت به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که افزون بر

۱. حجر، ۲۹.

۲. نساء، ۹۷؛ انعام، ۶۱.

۳. ق، ۳۴؛ عنکبوت، ۶۴.

۴. اعلی، ۱۶-۱۷.

سامان‌بخشی زندگی در این جهان، زمینه دستیابی به سعادت جاودانه انسان در آخرت را نیز فراهم کند. همچنین به جهت جاودانگی روح، اصل اولویت امور تربیتی مربوط به روح، بر جسم تثبیت می‌شود و تأثیر این مبنا در جزء عوامل و موانع نظام تربیتی اسلام بدین صورت است که موجب توجه حداکثری به عوامل و موانع تربیتی مربوط به روح می‌شود؛ زیرا آنها مربوط به بُعد جاودانه انسان هستند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸).

۳-۵. طولی و عرضی بودن مراتب روح در نظام تربیتی اسلام

اندیشمندان اسلامی به روش درون‌نگری (فلسفی) و روش نقلی (مراجعه به منابع دینی) برای شناخت بُعد روانی تلاش کرده‌اند و فهمی انتزاعی از مراتب طولی و شئون عرضی آن ارائه نموده‌اند. ایشان برای روان حداقل چهار مرتبه طولی مطرح کرده‌اند که از پایین به بالا عبارتند از: نباتی، حیوانی، انسانی و الهی. هرکدام از این مراتب دارای توانایی‌هایی هستند که در عرض هم قرار دارند و در اصطلاح فلسفی از آنها به «قوای نفس» تعبیر شده است. بُعد روانی انسان با وجود آنکه مجرد و بسیط است و وجودی واحد و یگانه دارد، به واسطه بُعد جسمانی، به امور مختلفی می‌پردازد که برخی از آنها همچون تغذیه مربوط به مرتبه نباتی و برخی همچون خشنودی و خشم به مرتبه حیوانی و برخی دیگر همچون تفکر به جنبه انسانی او مربوط می‌شوند. مرتبه انسانی خود درجات گوناگونی دارد که بالاترین آنها مختص به اولیای الهی و پیشوایان معصوم (ع) است (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۹).

بُعد روانی در هر مرتبه از مراتب طولی خود دارای شئون عرضی و توانایی‌های عرضی است. در مرتبه حیوانی دارای توانایی ادراکی و تحریکی است. در بخش ادراکی دارای توانایی ادراک با حواس پنج‌گانه ظاهری و حواس باطنی همچون خیال و وهم است. هر کدام از ابعاد روان نیازهایی دارند که با برآورده شدن آن به کمال می‌رسند؛ به طور نمونه ادراک حسی با دیدن و بوییدن گل زیبا به لذت می‌رسد و در حقیقت به کمال خود می‌رسد و یا مرتبه عقلانی ادراک با روشن‌شدن نقطه تاریکی و از بین رفتن جهل و نادانی نسبت به حقیقتی لذت می‌برد و به کمال متناسب می‌رسد. پرداختن به مرتبه‌ای از مراتب بُعد روانی به طور طبیعی انصراف از دیگری است و ممکن است باعث ضعف دیگری شود. از این رو، لازم است به همه مراتب به اندازه مناسب توجه شود تا رشد و کمال مورد انتظار محقق گردد. البته گاهی بین مراتب، تزاخم پیش می‌آید که براساس حکم عقل بایستی به قاعده اهم و مهم عمل شود (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹).

در اندیشه علامه مصباح، پذیرش برخورداری روح از مراتب طولی و شئون عرضی در اهداف،

اصول و ساحت‌های نظام تربیتی اسلام تأثیرگذار است؛ براساس این مبنا، اهداف به‌گونه‌ای تعیین می‌شوند که همه ابعاد، به رشد و تکامل شایسته خویش دست یابند و به طور خاص بالاترین مرتبه در وجود انسان که مرتبه انسانیت اوست، مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین، این مبنا موجب پیدایش دو اصل تدریجی بودن و اولویت می‌شود. در تدریجی بودن تربیت به همه شئون عرضی روان انسان به‌صورت تفکیک شده توجه شده و از آسان به سخت حرکت صورت می‌پذیرد. چنانچه در صورت تراحم میان مراتب و شئون یاد شده، اولویت با مرتبه انسانی و الهی است. از دیگر آثار این مبنا ایجاد ساحت‌های مختلف در نظام تربیتی اسلام است (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰).

۳-۶. تغییر تدریجی روح و بدن در نظام تربیتی اسلام

تغییرات جسمی انسان از بدو تولد تا پایان عمر امری روشن و بدیهی است. رشد جسمی در بخشی از دوران عمر و یا ضعف و ناتوانی در بخش دیگر عمر، نشانگر تغییرات جسمی هستند. براین اساس، هر انسانی نیازمند تربیت جسمانی به‌واسطه تغذیه، خواب، ورزش و امور دیگر مربوط به بدن است. همچنین براساس مشاهده انسان‌های دیگر و درون‌نگری می‌توان تغییرات مثبت یا منفی در توانمندی‌های روانی را نیز دید. در آموزه‌های دینی رشد و تکامل روانی انسان امری مسلم دانسته شده و برای تحقق آن دستورات و بایدونبایدهای فراوانی صادر شده است که اگر روان انسان تغییرناپذیر بود عمومیت این خطاب‌ها، لغو و بیهوده می‌شد.^۱

در قرآن کریم مراحل هفت‌گانه تکامل انسان در سوره حج چنین آمده است؛ مرحله نخست: خلقت اولیه از خاک؛ مرحله دوم: شکل‌گیری نطفه؛ مرحله سوم: شکل‌گیری علقه (خون بسته)؛ مرحله چهارم: شکل‌گیری مضغه (تکه گوشتی)؛ مرحله پنجم: کودکی؛ مرحله ششم: بلوغ و بزرگسالی؛ مرحله هفتم: پیری و کهنسالی^۲ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۲). از زمانی که روح به جنین دمیده می‌شود، تکامل در انسان، ابعاد دیگری نیز پیدا می‌کند. ابعاد روحی بر اثر عواملی که غالباً اختیاری هستند، همزمان با رشد جسمانی تغییر مثبت یا منفی پیدا می‌کنند. بهترین دلیل بر اینکه قرآن کریم تغییرات تدریجی در ابعاد روانی را ثابت می‌داند، تلاش برای تربیت آن‌ها با وسایل مختلف است. خداوند متعال در سوره جمعه^۳ دلیل بعث

۱. بقره، ۲۱، ۱۰۴، ۱۵۳، ۱۶۸، ۱۷۲.

۲. حج، ۵.

۳. جمعه، ۲.

پیامبرش را تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت بیان نموده است. در صورتی که اگر انسان تغییرناپذیر بود، اساساً تزکیه و تعلیم امری عبث و بیهوده محسوب می‌شد.

فیلسوفان اسلامی نیز در راستای آموزه‌های وحیانی به این موضوع پرداخته‌اند. ایشان نیز با رویکردی عقلی تغییرات بُعد روانی به واسطه رفتارها را تبیین کرده‌اند. صدرالمتألهین در این باره می‌نویسد: «انسان در ابتدای امر دارای فطرتی پاک همانند لوحی سفید است که براساس مداومت بر رفتارهایی آثار مَلک یا شیطان و یا چهارپایان و درندگان در او پیدا می‌شود» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۰۹). بنابراین، انسان موجودی است که عوامل محیطی به مرور زمان در ابعاد مختلف جسمی - روانی او تغییر ایجاد می‌کنند.

از منظر علامه مصباح مبنای تغییرات تدریجی در روح و بدن، علاوه بر اثبات تربیت‌پذیری انسان در اهداف، اصول، مراحل، عوامل، موانع و روش‌های تربیت تأثیر مستقیم دارد؛ براساس این مبنا در نظام تربیتی اسلام، رسیدن به اهداف به صورت تدریجی برنامه‌ریزی می‌شوند و تغییرات دفعی مخالف با شاکله وجودی انسان است. همچنین از این مبنا اصل تدریج و اصل استمرار در تربیت به دست می‌آید (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۱۲). از جهت دیگر این مبنا بر مراحل تربیت اثرگذار است. بدین صورت که مراحل تعلیم و تربیت با توجه به تغییرپذیری تدریجی تنظیم می‌شوند؛ زیرا گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر، به صورت دفعی ممکن نیست. همچنین در اثرگذاری عوامل، با توجه به این مبنا لازم است به تدریجی بودن آن‌ها توجه کرد و زمان را در نظر گرفت. چنانچه در طراحی روش‌ها نیز لازم است به تدریجی بودن تأثیرپذیری توجه کافی نمود (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱).

۳-۷. تأثیر متقابل روح و بدن در نظام تربیتی اسلام

حالت‌های روانی در بدن تأثیر می‌گذارند؛ به طور نمونه خشم موجب هیجان جسم و تغییر رنگ پوست می‌شود و یا حزن و اندوه، موجب سردی و سستی بدن و به هم ریختن دستگاه گوارش خواهد شد. از طرف دیگر، امور مربوط به بدن در روان تغییرات مثبت یا منفی ایجاد می‌کنند؛ به طور مثال انسانی که دچار بیماری جسمی شده، در روح و روان وی غم و اضطراب دیده می‌شود (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱). افلاطون در جمهوری تأثیر انواع موسیقی را در نفس مطرح می‌کند؛ به این صورت که هرکس موسیقی و آهنگی بشنود، در روحش تأثیر می‌گذارد؛ اگر به موسیقی حزن‌آور گوش دهد، روحش اثر می‌پذیرد و غمگین می‌شود و اگر موسیقی شاد بشنود، روحش بانشاط می‌شود. افلاطون بر این باور است که موسیقی و شعر مهم‌ترین روش برای تربیت روح هستند؛ زیرا وزن و

آهنگ، سریع‌تر از هر چیزی در اعماق روح آدمی راه می‌یابد (افلاطون، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۹۱۱). در اندیشه علامه مصباح، نظام تربیتی اسلام از مبنای تأثیرگذاری روح و بدن بر یکدیگر در تعیین اهداف، ساحت‌ها، عوامل، موانع و روش‌های تربیتی اثر می‌پذیرد؛ براین اساس در نظام تربیتی اسلام در تدوین اهداف، با وجود اصیل شمردن روح، به جسم نیز توجه زیادی شده است و برای ساحت جسمانی همچون ساحت روانی برنامه‌ریزی شده و در رابطه علیّ حلقوی بین آن دو، با نگاهی نظام‌مند تأکید شده است. چنانچه هنگام شناسایی عوامل و موانع تربیتی و زمان تعیین روش‌های تربیتی، به تأثیرگذاری روح و بدن بر یکدیگر بسیار توجه شده است (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱).

۳-۸. فطرت الهی در نظام تربیتی اسلام

نوع آفرینش انسان‌ها به‌گونه‌ای است که از سرشتی مشترک برخوردارند. همه انسان‌ها در بخش فطری روح، دارای قوه ادراک (قوه فهم و تعقل)، نیازمندی، توانایی، تمایل و گرایش مشترک هستند. این ویژگی‌ها همگی غیراکتسابی، زوال‌ناپذیر و فراحوانی‌اند (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴) و در تعبیر دینی از آن به «فطرت»^۱ و در روان‌شناسی به «طبیعت مشترک»، تعبیر شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۷۱، ۱۸۸).

در اندیشه علامه مصباح این مبنا علاوه بر اثبات امکان طراحی و تدوین یک نظام مشترک تربیتی برای همه انسان‌ها، در اهداف تربیت نیز اثر مستقیم دارد. براین اساس، هدف نهائی تربیت (قرب الی‌الله) برای همه انسان‌ها مشترک است. هرچند نیازهای اختصاصی به گروه‌های مختلف (ناشی از شرایط گوناگون) موجب پدیداری تفاوت در برخی اهداف میانی می‌شوند. با توجه به این مبنا، یکی از اهداف اصلی در نظام تربیتی اسلام، بارور ساختن فطرت الهی و زدودن غبار گناه و غفلت از آن است (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲).

۳-۹. رویکرد کمال‌گرایی نامحدود در نظام تربیتی اسلام

انسان فطرتاً خویشتن را دوست می‌دارد و به جهت این عشق و علاقه، بهترین‌ها را برای خود می‌پسندد و همواره به دنبال کسب آن‌ها برای خود است. لازمه حبّ ذات، ویژگی دیگری به‌عنوان کمال‌گرایی در وجود انسان است. حقیقت کمال‌جویی در وجود انسان یک باور جهانی است،

به طوری که در اندیشه فیلسوفان غربی و شرقی بسیار مورد توجه قرار گرفته است (ابن‌سینا، ۱۳۸۱، ص ۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۵۰؛ کاپلستون و مجتبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۲۵).

دو دیدگاه اصلی در مورد کمال‌جویی انسان وجود دارد: نخست، دیدگاه اندیشمندان مادی‌گرا است که مفهوم و معنای کمال و همچنین مصداق واقعی کمال و راه دستیابی به آن را در رسیدن به لذت‌ها و خواسته‌های نفسانی می‌دانند و کمال را خلاصه در امور مادی و دنیوی می‌کنند. در قرآن کریم از طرفداران این دیدگاه به «دهریون» تعبیر شده است: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»؛ و [کافران] معتقدند که [زندگی] نیست، مگر زندگی ما در این جهان؛ می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز روزگار هلاک نمی‌کند»^۱؛ دوم دیدگاه اندیشمندان معتقد به بُعد غیرمادی برای انسان است. این دیدگاه شامل همه مکتب‌های غیرمادی به‌ویژه مکتب‌های الهی می‌شود و به گونه دیگری به مسئله کمال انسان نگاه می‌کند و چشم‌اندازی فراتر و والاتر از مسائل مادی و دنیوی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۵۵).

در نظام تربیتی اسلام، منظور از کمال‌جویی، طلب سعادت و نفع مادی و معنوی به شکل نامحدود است که در ضمن رشد عقلانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و رفتاری در بستر ایمان به خدا و انجام رفتارهای شایسته به دست می‌آید^۲ (مطهری، ۱۳۹۳، ص ۷۱، ۱۵۵).

در اندیشه علامه مصباح، کمال‌گرایی نامحدود انسان در اهداف، مراحل و اصول نظام تربیتی اسلام تأثیر مستقیم دارد. براساس این مبنا، هدف نهانی از تربیت اسلامی، نزدیک شدن به خداوند به‌عنوان کمال مطلق است. همچنین با استناد به این مبنا نیاز به تربیت به شکل دائمی مشخص می‌شود؛ چنانچه برای رسیدن به کمال مطلق، مراحل مختلف و ساحت‌های گوناگون تا پایان عمر انسان مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار می‌گیرند. همچنین اصل استمرار نیز بر این مبنا استوار است (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹).

۳-۱۰. رویکرد رفتارمحور در نظام تربیتی اسلام

ویژگی مهمی که انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند، توانایی انجام رفتارهای اختیاری است. رفتار بخشی برآمده از ابعاد وجودی انسان است که به‌محض تحقق، بر آنها تأثیر مستقیم می‌گذارد.

۱. جائیه، ۲۴.

۲. انشفاق، ۶.

براساس آموزه‌های دینی، انسان بر مبنای شاکله خویش رفتار می‌کند و رفتار به وجود آمده، خود، از عوامل سازنده شاکله است و در حقیقت رابطه‌ای متقابل دارند. از این رو، رشد یا سقوط انسان به رفتارهایش وابسته است. براساس آیات قرآن کریم، کمال انسان در دنیا و آخرت جز با انجام رفتارهای شایسته به دست نمی‌آید؛^۱ چنانچه درجات و مراتب کمال انسان براساس رفتارهای اختیاری او تعیین می‌شود.^۲ حضرت علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: زمانی که خداوند متعال بندگان را آفرید، خواست که ایشان به آداب بلند و اخلاق شریف دست یابند، پس، دانست که این گونه نمی‌شوند؛ مگر باید و نباید‌هایشان را بدانند [و بدان عمل کنند] (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۳۱۶؛ مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰). بنابراین، از مهم‌ترین موضوعات تربیتی در نظام تربیتی اسلام، سامان‌بخشی رفتارهای اختیاری شایسته و تحقق آن‌ها در متریان است.

از منظر علامه مصباح این مبنا در اهداف و روش‌های تربیتی تأثیر مستقیم دارد. براساس این مبنا، اهداف میانی نظام تربیتی اسلام به منظور شکل‌گیری الگوی عمل صالح در متریان تعیین می‌شوند و روش‌های تربیتی در راستای مهارت‌آموزی و برنامه‌ریزی نجات عمل از هرگونه نقص و فساد و انجام رفتارهای شایسته تعیین می‌شوند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰).

۳-۱۱. وابستگی رفتار اختیاری به بینش، گرایش و توانایی‌های انسان

رفتار در انسان برآمده از حالتی روانی است که او را در جهت خاصی قرار داده و زمینه ایجاد کنشی را فراهم می‌کند. روانشناسان به این حالت «انگیزه» و به فرایند پیدایش انگیزه‌ها در نظام روانی «انگیزش» می‌گویند (نولن‌هوکسما و اتکینسون، ۱۳۹۰، ص ۳). انگیزه از سه بُعد بینش، گرایش و کنش (اراده) تشکیل شده است. اندیشمندان اسلامی فرایند انگیزش را در مباحث نفس‌شناسی مطرح کرده‌اند. ایشان برای روان با توجه به کارکردها و آثارش ابعاد انتزاع نموده و مطرح کرده‌اند. هرکدام از ابعاد روانی، بخشی از انگیزه‌ها را در فرایند انگیزش پشتیبانی می‌کند (نصیرالدین طوسی، بی‌تا، ص ۱۵؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴؛ نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۱).

رفتار اختیاری هنگامی تحقق می‌یابد که بُعد شناختی روان، تشخیصی بدهد و در ادامه احساسات و عواطف در فرد تحریک شده و انگیزه‌ای شناختی در کنار انگیزه‌ای گرایشی قرار گیرد. انگیزه‌ها سیستم

۱. کشف، ۱۰۷.

۲. احقاف، ۱۴.

روانی را به تلاطم می‌اندازند و موجب تحریک بُعد کنشی فرد می‌شوند. بعد کُنشی، فرایند پیدایش اراده و اختیار براساس ابعاد بینشی و گرایشی است. کُنش، کشش و تلاشی است که نفس برای انجام کاری از خود نشان می‌دهد؛ در ادامه بُعد کنشی نفس یعنی همان اراده، به کار می‌افتد و با استفاده از بعد بینشی و بعد گرایشی، نسبت به انگیزه‌های موجود تصمیم‌گیری می‌کند و اراده شکل می‌گیرد. بعد از اراده، قوای عامله، انسان را به حرکت درمی‌آورند و رفتار پدید می‌آید. شایان ذکر است که رابطه بین انگیزه‌ها و رفتار، رابطه‌ای علی- معلولی است؛ از این رو، تقویت شناخت‌ها و احساسات نتیجه‌ای جز تقویت رفتار متناسب ندارد (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۰، ص ۳۲۲).

از منظر علامه مصباح این مبنا نقش مهمی در نظام تربیتی اسلام دارد. براساس این مبنا همه اهداف نظام تربیتی با توجه به تقویت و تنظیم ابعاد سه‌گانه بینشی، گرایشی و کنشی مشخص می‌شود؛ چنانچه یکی از اصول نظام تربیتی تأکید و توجه به اندیشه‌ها، احساسات و تصمیمات متناسب با کمال متریبان است. همچنین در روش‌های تربیتی نیز روش‌هایی چون روش رفتار محور و معرفی اسوه توصیه می‌شود که حاصل آن تأثیر متناسب بر سه بُعد روانی انسان باشد (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱).

۳-۱۲. بندگی انسان در نظام تربیتی اسلام

براساس آموزه‌های دینی، انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که دنبال بندگی خداست؛ عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) در مورد آیه شریفه «فَطَرَتِ اللَّهُ الْأَتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» سؤال کرد؛ حضرت در پاسخ فرمود: «منظور اسلام است» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۶۴، ص ۱۳۴). همه انسان‌ها به‌گونه‌ای آفریده شده‌اند که تمایل به عبودیت و تسلیم شدن در مقابل خداوند دارند. بنابراین، نوع آفرینش انسان براساس عبودیت شکل گرفته است. اما چیزی که بسیار مهم است، پاسخ‌دهی درست به نیاز و درخواست فطرت انسانی است. از این رو، عقل و نقل برای هدایت فطرت در مسیر درست، به میدان می‌آیند.

براساس ادله عقلی و وحیانی لازم است ویژگی فطری بندگی در انسان به راه مستقیم و درست جهت‌دهی شود. براین اساس در آیات قرآن کریم، «الله» تبارک و تعالی آفریدگار انسان معرفی شده است.^۱ او مالک و صاحب‌اختیار انسان است.^۲ او روزی‌دهنده و اداره‌کننده تمام امور زندگی انسان است.^۳ او مربی

۱. انعام، ۱۰۲.

۲. آل‌عمران، ۲۶ و ۱۵۰.

۳. نحل، ۱۱۴.

و هدایت‌کننده انسان است.^۱ او صاحب همه کمال‌ها و خوبی‌هاست.^۲ تمام نعمت‌ها و خیرهایی که به انسان رسیده، از جانب اوست.^۳ براساس مقدماتی که بیان شد، تنها او شایسته ستایش و پرستش است؛ زیرا به حکم عقل، صاحب کمال و زیبایی، شایسته مدح و ستایش است. چنانچه سپاسگزاری و قدرشناسی از صاحب نعمت، لازم و واجب است. بنابراین، براساس حکم عقل، تنها خداوندی که خالق، روزی‌دهنده، مربی و صاحب همه کمال‌ها است، شایستگی پرستش را دارد.

در اندیشه علامه مصباح، بندگی انسان نسبت به خدا، ویژگی فطری و ذاتی اوست که براساس آن در نظام تربیتی اسلام همه اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت در راستای عبودیت و بندگی خداوند تعریف می‌شوند. اهداف میانی در راستای تقویت و رشد بندگی در میان متریان تنظیم می‌شوند. چنانچه براساس این مبنا، اصل استمرار در تربیت متریان مطرح خواهد شد. چون خداوند همیشه شایسته پرستش بوده و هست؛ از این‌رو، تربیت در راستای عبودیت، همیشگی است. همچنین اصل همگرایی برای بندگی خدا و اتحاد کامل همه عوامل تربیتی تعریف می‌شود و روش‌های تربیتی نیز به‌منظور برداشتن موانع بندگی و از طرف دیگر رشد و تعالی عبودیت مشخص می‌شوند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۸).

۱۳-۳. مسئول بودن انسان در نظام تربیتی اسلام

انسان در برابر خود، خدا و موجودات دیگر مسئول است. مسئول بودن انسان نتیجه بهره‌مندی وی از عقلانیت، قدرت، اختیار و هدفمندی است. بر این اساس، عقل به مسئولیت انسان در امور اختیاری خویش حکم می‌کند. چنانچه در آموزه‌های دینی برخلاف برخی مکاتب غربی که فرهنگ «لاابالی‌گری» و «بی‌تفاوتی» را در قالب اصول «لذت‌گرایی»، «فردگرایی» و «نسبیت‌گرایی» تبلیغ می‌کنند، انسان موجودی مسئول معرفی شده است.^۴ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۲، ص ۳۸). دستورات فراوانی که در شریعت اسلام آمده، بهترین گواه نسبت به مسئولیت انسان در برابر خود، خدا و دیگران است. بنابراین، انسان در برابر خود، خدا و دیگران مسئول است (مصباح، ۱۳۹۹، ص ۱۷۵).

۱. فاتحه، ۲.

۲. طه، ۷۳.

۳. ملک، ۱.

۴. تحریم، ۶.

در نگاه علامه مصباح، انسان موجودی مسئول در قبال خود، خدا و دیگران است؛ این مبنا در اهداف، اصول، عوامل و موانع تأثیر مستقیم دارد. براین اساس اهداف تربیتی لازم است به‌گونه‌ای تعریف شوند که مربیان وظایف خویش را شناخته و در قبال آن‌ها پاسخ‌گو باشند و حس مسئولیت‌پذیری بین مربیان ایجاد شود. همچنین براساس این مبنا، اصل همگانی بودن مسئولیت نسبت به تربیت هم‌نوعان به دست می‌آید. بدین صورت که تعلیم و تربیت وظیفه‌ای همگانی است؛ به‌طوری‌که علاوه بر تک‌تک افراد جامعه، نهادهای دولتی و حکومتی نیز این مسئولیت را بر عهده دارند و هیچ‌کس نمی‌تواند در مقابل دیگران و به‌خصوص تربیت جامعه بی‌تفاوت باشد. همچنین، براساس این مبنا مقدار مسئولیت افراد و حکومت در مورد عوامل تربیت و موانع آن مشخص می‌شود (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۹).

۳-۱۴. انسان موجودی دارای اختیار در نظام تربیتی اسلام

در آیات فراوانی از قرآن کریم، انسان موجودی دارای اختیار، معرفی شده است. آیاتی که خلقت انسان را به جهت آزمایش او بیان می‌کنند،^۱ آزمایش و امتحان در جایی معنا دارد که فرد نسبت به انتخاب، اختیار داشته باشد. دوم آیاتی که در آن‌ها خداوند وعده و وعید می‌دهد،^۲ بشارت و انذار زمانی معقول است که مخاطب اختیار داشته باشد. دسته سوم، آیات عهد و میثاق خدا با عموم یا دسته‌های خاصی از انسان‌ها است.^۳ توجه دادن به عهدها و میثاق‌ها نشان‌دهنده آن است که انسان می‌تواند خلاف آن‌ها را برگزیند (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۱).

در اندیشه علامه مصباح، مهم‌ترین اثر این مبنا اثبات امکان تعلیم و تربیت اختیاری برای انسان است؛ بدین معنا که تربیت‌پذیری متوقف بر خواست و انتخاب متربی است. همچنین، براساس این مبنا، در روش تعلیم و تربیت و عوامل تربیت، توجه به عنصر اراده و خواست حائز اهمیت می‌شود. از این رو، پنجره جدیدی در نظام تربیتی به‌عنوان ایجاد انگیزه برای خواستن خوب باز خواهد شد (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴).

۳-۱۵. انسان دارای کرامت ذاتی و اکتسابی در نظام تربیتی اسلام

کرامت تکوینی بدین معناست که خداوند انسان را به‌گونه‌ای آفریده که در مقایسه با برخی

۱. دهر، ۲؛ کف، ۷.

۲. بقره، ۲۱۳؛ فاطر، ۲۴؛ ملک، ۸.

۳. یس، ۶۰؛ بقره، ۸۳؛ احزاب، ۷.

موجودات دیگر، از لحاظ ساختمان وجودی، از امکانات و مزایای بیشتری برخوردار بوده و ساختار وجودی اش نسبت به مخلوقات دیگر کامل تر و از غنای بیشتری برخوردار است. قرآن کریم کرامت ذاتی انسان را در بهره‌مند شدن از روح الهی معرفی می‌کند؛ «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ و در او از روح خود دیدم».^۱ همچنین می‌فرماید: «به‌راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم ... و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خویش، برتری کامل بخشیدیم».^۲

همه انسان‌ها از کرامت تکوینی برخوردارند؛ اما در آیات قرآن، نوع دیگری از ارزشمندی مطرح می‌شود که بر اثر ایمان و رفتارهای شایسته برای انسان پدید می‌آید و برعکس، انسان‌هایی که کفر بورزند و رفتارهای ناشایست انجام دهند، از منزلت و جایگاه عالی خود سقوط می‌کنند: «و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم، [چراکه] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند، آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلان‌اند».^۳ ایمان و رفتارهای شایسته قدرتی در کنترل سیستم روانی برای انسان ایجاد می‌کند که در اصطلاح دینی «تقوا» نامیده می‌شود؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست».^۴ کرامت اکتسابی حدّ مشخصی ندارد و هرچه قرب الهی بیشتر شود، کرامت و ارزش انسانی بالاتر می‌رود (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۰).

از منظر علامه مصباح این مبنا در اهداف، اصول، عوامل، موانع و روش‌های تربیتی تأثیر مستقیم دارد. براساس این مبنا، اهداف نزدیک و میانی در نظام تربیتی اسلام به‌گونه‌ای تعریف می‌شوند که کرامت ذاتی انسان اقتضاء می‌کند. در نظام تربیتی اسلام اهداف ناظر بر کرامت ذاتی انسان هستند؛ چنانچه اهدافی برای به‌دست آوردن کرامت اکتسابی تعریف می‌شوند. همچنین اصل تناسب و اعتدال در راستای کرامت ذاتی و اکتسابی مطرح می‌شود. همچنین عوامل تربیتی مطرح می‌شوند که موجب حفظ و تحقق کرامت شده و در مقابل، از موانع کرامت ذاتی و اکتسابی انسان بحث می‌شود؛ چنانچه روش‌هایی در نظام تربیتی اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرد که متناسب با کرامت ذاتی و اکتسابی انسان باشند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۰).

۱. حجر، ۲۹.

۲. اسراء، ۷۰.

۳. اعراف، ۱۷۹.

۴. حجرات، ۱۳.

۳-۱۶. انسان موجودی اجتماعی در نظام تربیتی اسلام

نوع آفرینش انسان به‌گونه‌ای است که بدون اجتماع نیازهایش برطرف نمی‌شود. انسان موجودی اجتماعی و به اصطلاح «مدنیّ بالطبع» است. اسلام برخلاف آموزه‌های تحریف‌شده در برخی ادیان، نمایش رهبانیت و گوشه‌نشینی امت مسلمان را در «جهاد در راه خدا» دانسته است (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۷۰). در آیات فراوانی از قرآن کریم به موضوعات اجتماعی پرداخته شده است؛ به‌طور نمونه به احکام روابط اجتماعی، مسئله خانواده و قوم و قبیله اشاره شده است.^۱

در نظر علامه مصباح یزدی، این مبنا بر اهداف، ساحت‌ها، اصول و روش‌های تربیت در نظام تربیتی اسلام تأثیر مستقیم دارد؛ براساس این مبنا، همه اهداف در نظام تربیتی اسلام با رویکرد اجتماعی تعریف می‌شوند؛ همچنین اصل همه‌جانبه‌نگری با توجه به اجتماعی بودن انسان مطرح می‌شود. از جهت دیگر بر اساس این مبنا یکی از ساحت‌های تربیت، مربوط به ساحت اجتماعی می‌شود و در روش تربیتی هم با روش‌های مناسب با رویکرد اجتماعی عمل می‌شود؛ از این‌رو، رفتارهای اجتماعی در شریعت اسلام زیاد مورد توجه‌اند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۴).

۳-۱۷. تفاوت استعدادها در نظام تربیتی اسلام

انسان‌ها با وجود برخورداری از سرشت مشترک، استعدادها و قابلیت‌های متفاوتی دارند. تفاوت در نحوه آفرینش انسان‌ها از عجایب خلقت است. خداوند فرموده است: «ما لکم لا ترجونّ لله وقاراً و قد خَلَقکم أطواراً؛ شما را چه شده که به عظمت خدا امید نداری؟! و حال آنکه شما را گوناگون آفرید».^۲ حضرت علی (ع) در بیان تفاوت استعدادها و تمایلات افراد چنین فرموده است: «خیر و سعادت انسان در اختلاف ساختمان و استعداد است و هلاکتش در یکنواخت بودن و همسانی ویژگی‌های فطری و طبیعی است» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۳۱۶). اگر همه انسان‌ها به یک شکل آفریده می‌شدند، نظام اجتماع مختل می‌شد؛ زیرا همه یک کار را دنبال می‌کردند؛ در نتیجه نیازهای فراوانی که انسان‌ها در زندگی اجتماعی داشتند، برآورده نمی‌شد.

در نگاه علامه مصباح این مبنا در اهداف، اصول، عوامل، موانع و روش‌های تربیتی تأثیر مستقیم دارد؛ براساس این مبنا اهداف در نظام تربیتی اسلام به‌گونه‌ای تعریف می‌شوند که همه انسان‌ها توان

۱. حجرات، ۱-۵؛ روم، ۲۱؛ اعراف، ۵۹.

۲. نوح، ۱۳-۱۴.

رسیدن به آن‌ها را در هر سطح از استعداد، داشته باشند. از این‌رو، در تعیین اهداف، نگاه حداقلی می‌شود تا همه استعدادها بتوانند به آن دست یابند. همچنین اصل تناسب و تعادل مطرح می‌شود. چنانچه عوامل و موانع باتوجه به استعدادهای متفاوت موردنظر قرار می‌گیرند و روش‌هایی برای تربیت تعریف می‌شود که همه افراد انسانی توان اجرای آن‌ها را داشته باشند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۷).

۳-۱۸. انسان موجودی ضعیف در نظام تربیتی اسلام

انسان موجودی ضعیف آفریده شده است که برای رسیدن به نقطه مطلوب (کمال) نیاز به تقویت و رشد دارد.^۱ زمانی که انسان به دنیا می‌آید، از ابعاد روانی (بینش، گرایش و کنش) ضعیفی برخوردار است؛ «وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا؛ و خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید»؛^۲ از این‌رو، انسان نیازمند دانش‌افزایی، جهت‌دهی و تقویت گرایش‌ها و تقویت اراده است. انسان برای رفع کاستی‌ها در ابعاد مختلف روانی نیاز به یاری دیگران و زندگی اجتماعی دارد (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲).

از منظر علامه مصباح این مبنا علاوه بر اینکه اصل ضرورت تعلیم و تربیت را اثبات می‌کند، در اهداف و اصول تربیتی اسلام نیز مؤثر است. اهداف میانی در راستای پر کردن خلأها و کاستی‌های انسان تنظیم می‌شوند؛ چنانچه اصل اعتدال و تناسب نیز مطرح می‌شود (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲).

۳-۱۹. تأثیرپذیری انسان از موجودات دیگر در نظام تربیتی اسلام

انسان بر موجودات هستی تأثیرگذار و از دیگر موجودات (اعم از مادی و غیرمادی) تأثیرپذیر است (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲). تغییرات دوسویه مثبت یا منفی بین انسان‌ها با هم و موجودات دیگر در جریان است؛ به‌طور نمونه انسان می‌تواند به تخریب محیط‌زیست (دریا، جنگل، زمین) پردازد و در مقابل از میان رفتن آب و جنگل می‌تواند تغییرات منفی در زندگی انسان داشته باشد. قرآن کریم برخی از بلاهای طبیعی را نتیجه عملکرد نادرست انسان‌ها می‌داند؛ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ به خاطر دستاورد مردم، تباهی در خشکی و دریا آشکار

۱. نساء، ۲۸.

۲. نحل، ۷۸.

شد.^۱ چنانچه ایمان و رفتار شایسته را موجب گشوده شدن درهای رحمت الهی بر آدمیان می‌داند؛ «و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ و اگر اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خودنگهداری (و پارسایی) می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم».^۲ بنابراین، رابطه لزومی و عینی دوسویه‌ای بین انسان و موجودات دیگر برقرار است.

از نگاه علامه مصباح این مبنا در اهداف، اصول، عوامل و موانع، روش‌ها و ساحت‌های تربیت تأثیر مستقیم دارد. براساس این مبنا اهداف تربیت ناظر بر عکس‌العمل‌های موجودات در مقابل کنش‌های انسان و بالعکس تنظیم می‌شود و به اصطلاح آثار وضعی رفتارهای متریبان مدنظر قرار گرفته می‌شود. همچنین اصل کنش‌وری براساس دستورات خالق هستی و دین‌ورزی برای تحقق بهترین رابطه بین انسان و سایر موجودات مطرح می‌شود. عوامل و موانع ارتباط صحیح با محیط با دقت علیت حلقوی موردنظر قرار می‌گیرند و از روش‌های تربیتی که بیشتر نسبت به رفتار صالح و شایسته تأکید دارد، استفاده می‌شود و نهایتاً ساحت‌های تربیت اسلامی به چهار ساحت الهی، شخصی، جمعی و طبیعی تقسیم می‌شوند که هرکدام از آن‌ها برای برقراری ارتباط صحیح با محیط و دیگران برنامه‌هایی دارند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳).

۳-۲۰. نیازمندی انسان به آموزه‌های وحیانی در نظام تربیتی اسلام

براساس آموزه‌های دینی، کمال نهایی انسان، قرب الهی به معنای تجلی و ویژگی‌ها و صفات الهی در وجود انسان است؛ به طوری که نوعی شباهت و نزدیکی به خداوند متعال دیده شود. انسان برای رسیدن به کمال، نیازمند برنامه جامعی است. از دیدگاه عقل، شایسته‌ترین فرد برای برنامه‌نویسی نسبت به انسان، خالق و آفریدگار اوست که اشراف کاملی نسبت به ابعاد وجودی و اهداف آفرینی او دارد. از آنجاکه خداوند موجودی مجرد است که امکان ارتباط مادی با او نیست؛ تنها نوعی از اطلاع‌رسانی با فرایندی خاص در برخی انسان‌ها (پیامبران) به وسیله ملائکه مقرب، محقق می‌شود و برنامه‌ها برای انسان فرستاده می‌شوند (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۴۰). بنابراین، انسان بدون بهره‌مندی از وحی، هیچ‌گاه به کمال حقیقی نخواهد رسید و حقیقت انسان برای تکامل، نیازمند آموزه‌های وحیانی است. در اندیشه علامه مصباح این مبنا در اهداف، اصول، عوامل، موانع، مراحل، ساحت‌ها و روش‌های

۱. روم، ۴۱.

۲. اعراف، ۹۶.

تعلیم و تربیت تأثیر مستقیم دارد. از این رو، اهداف، اصول، روش‌های تعلیم و تربیت با بهره‌مندی از معارف و حیانی تنظیم می‌شوند. همچنین عوامل، موانع، مراحل و ساحت‌های نظام تربیتی با توجه به آموزه‌های و حیانی شناسایی می‌شوند (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۸۵).

۴. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش و جایگاه مبانی انسان‌شناختی اسلامی در نظام تربیتی اسلام با استفاده از نظرات علامه مصباح یزدی بود؛ بدین جهت نخست مبانی انسان‌شناختی از آثار ایشان استخراج و در ادامه تأثیرگذاری آن‌ها در نظام تربیتی اسلام تبیین شد. یافته‌های پژوهش در جدول شماره (۱) آمده است. امتیاز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های گذشته گستردگی و جامعیت مبانی مطرح شده توسط علامه مصباح یزدی و تبیین نقش و جایگاه آن‌ها در نظام تربیتی اسلام است. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به سمت کاربردی شدن این مبانی در الگوی نظام تربیتی اسلام قدم برداشته شود و در پژوهش‌های دیگر راهکارهایی عملیاتی برای مبانی مورد بحث ارائه شود.

جدول ۱- تأثیر مبانی انسان‌شناختی در نظام تربیتی اسلام

	مبنا: «انسان موجودی هدفمند است».
۱	تأثیر در: لزوم تعیین اهداف نزدیک، میانی و نهایی و ریل‌گذاری و آماده کردن شرایط در نظام تربیتی اسلام برای رسیدن به هدف نهایی.
	مبنا: «انسان موجودی مرکب از روح و بدن است».
۲	تأثیر در: ۱. اهداف: تعیین هدف نهایی برای نظام تربیتی اسلام که «قرب إلى الله» باشد و تعیین اهداف میانی برای رسیدن به هدف نهایی؛ ۲. تدوین اصول برای نظام تربیتی اسلام؛ اصل جامع‌نگری؛ ۳. تبیین ساحت‌های مختلف مربوط به جسم و روح؛ ساحت جسمی، ساحت روانی (بینشی، گرایشی، رفتاری)؛ ۴. تبیین عوامل و موانع؛ عوامل و موانع با توجه به دو بُعد تبیین می‌شوند؛ ۵. تبیین روش‌ها: روش‌های تربیت عقلانی یا تربیت شهودی مطرح می‌شوند.
	مبنا: «اصالت با جنبه روحانی انسان است».
۳	تأثیر در: ۱. اهداف: پرورش و استكمال روح به‌عنوان هدف عام؛ ۲. اصل اولویت جنبه روحانی بر جسمانی؛ ۳. تقدم عوامل و موانع درونی بر بیرونی؛ ۴. تمرکز بر روش‌های تربیتی معطوف به روش‌های عقلی استدلالی.
	مبنا: «انسان دارای روحی جاودانه است».
۴	تأثیر در: ۱. اهداف: اهداف به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که علاوه بر ساماندهی زندگی دنیا، زمینه سعادت اخروی را هم فراهم کنند؛ ۲. اصل اولویت تربیت روح بر جسم؛ ۳. تمرکز بر عوامل و موانع مربوط به روح و زندگی جاودانه.
	مبنا: «انسان دارای روحی چندلایه است».
۵	تأثیر در: ۱. اهداف: اهداف به‌گونه‌ای تعیین می‌شوند که همه ابعاد، به رشد و تکامل شایسته خویش دست یابند و به طور خاص بالاترین مرتبه در وجود انسان که مرتبه انسانیت اوست، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ۲. اصول: اصل تدریجی و اولویت مطرح می‌شود؛ ۳. ساحت‌ها: ساحت‌های مختلف مطرح می‌شوند.

	<p>مبنا: «تغییرپذیری تدریجی روح و بدن».</p>
۶	<p>تأثیر در: ۱. اهداف: رسیدن به اهداف به‌صورت تدریجی برنامه‌ریزی می‌شوند؛ ۲. اصول: اصل تدریج و استمرار مطرح می‌شود؛ ۳. مراحل: برای نظام تربیتی مراحل تعیین می‌شود؛ ۴. عوامل و موانع: توجه به تأثیرگذاری تدریجی عوامل و موانع؛ ۴. روش‌ها: روش‌های ناظر بر تأثیر تدریجی طراحی می‌شود.</p>
	<p>مبنا: «تأثیرگذاری روح و بدن بر یکدیگر».</p>
۷	<p>تأثیر در: ۱. اهداف: تدوین اهداف باتوجه به اصالت روح؛ ۲. ساخت‌ها: توجه و برنامه‌ریزی در چگونگی رابطه ساخت جسمانی و روحانی؛ ۳. عوامل و موانع: تعیین عوامل و موانع باتوجه به تأثیر متقابل روح و بدن؛ ۴. روش تربیت: تعیین روش تربیت باتوجه به تأثیر متقابل.</p>
	<p>مبنا: «وجود سرشتی مشترک و فطرتی الهی در همه انسان‌ها».</p>
۸	<p>تأثیر در: علاوه بر اینکه امکان طراحی و تدوین یک نظام مشترک تربیتی برای همه انسان‌ها را ثابت می‌کند، بر اهداف تربیت نیز اثرگذار است. باتوجه به این مبنا یکی از اهداف اصلی در نظام تربیتی اسلام، بارور ساختن فطرت الهی و زدودن غبار گناه و غفلت از آن است.</p>
	<p>مبنا: «انسان کمال‌جو است».</p>
۹	<p>تأثیر در: ۱. اهداف: براساس این مبنا هدف نهائی از تربیت اسلامی قرب به خداوند به‌عنوان کمال مطلق است؛ ۲. اصول: اصل استمرار؛ نیاز به تربیت به شکل دائمی؛ ۳. مراحل تربیت: برای رسیدن به کمال مطلق، مراحل مختلف و ساخت‌های گوناگون تا پایان عمر انسان مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار می‌گیرند.</p>
	<p>مبنا: «رفتار عامل مهم کمال حقیقی انسان است».</p>
	<p>تأثیر در: ۱. اهداف: براساس این مبنا اهداف میانی نظام تربیتی اسلام به‌منظور شکل‌گیری عمل صالح تعیین می‌شوند؛ روش‌های تربیتی برای تقویت رفتارهای شایسته در انسان برنامه‌ریزی می‌شوند.</p>
	<p>مبنا: «رفتار انسان برآمده از بینش، گرایش و کنش (اراده) موجود است».</p>
۱۱	<p>تأثیر در: ۱. اهداف: براساس این مبنا در نظام تربیتی اسلام اهدافی برای تقویت و تنظیم ابعاد سه‌گانه بینشی، گرایشی و کنشی مشخص می‌شود؛ ۲. روش‌های تربیت: روش‌هایی توصیه می‌شود که حاصل آن تأثیر متناسب بر سه بُعد روانی انسان باشد.</p>
	<p>مبنا: «عبودیت و بندگی از ویژگی‌های فطری انسان است».</p>
۱۲	<p>تأثیر در: ۱. اهداف: اهداف میانی در راستای تقویت و رشد بندگی در میان متریبان تنظیم می‌شوند؛ ۲. اصول: اصل استمرار؛ چون خداوند همیشه شایسته پرستش بوده و هست؛ از این‌رو، تربیت در راستای عبودیت، همیشگی است؛ همچنین اصل همگرایی برای بندگی خدا تعریف می‌شود؛ ۳. روش‌های تربیتی اسلام: روش‌های تربیتی به‌منظور برداشتن موانع بندگی و از طرف دیگر رشد و تعالی عبودیت مشخص می‌شوند.</p>
	<p>مبنا: «مسئولیت‌پذیری انسان».</p>
۱۳	<p>تأثیر در: ۱. اهداف: اهداف تربیتی لازم است به‌گونه‌ای تعریف شوند که مسئولیت‌پذیری را در متریبان به نحو شایسته نهادینه کند؛ ۲. اصول: اصل همگانی بودن مسئولیت به دست می‌آید؛ بدین صورت که تعلیم و تربیت وظیفه‌ای همگانی است؛ ۳. عوامل و موانع: براساس این مبنا مقدار مسئولیت افراد و حکومت در مورد عوامل تربیت و موانع آن مشخص می‌شود.</p>

	مینا: «مختار بودن انسان».
۱۴	تأثیر: مهم‌ترین اثر این مینا، اثبات امکان تعلیم و تربیت اختیاری است؛ همچنین براساس این مینا در روش تعلیم و تربیت و عوامل تربیت توجه به عنصر اراده و خواست، حائز اهمیت می‌شود.
	مینا: «کرامت تکوینی و اکتسابی انسان».
۱۵	تأثیر در: ۱. اهداف: براساس این مینا اهداف باید به گونه‌ای تعریف شوند که کرامت ذاتی انسان اقتضاء می‌کند؛ ۲. اصول: همچنین اصل تناسب و اعتدال در راستای کرامت ذاتی و اکتسابی مطرح می‌شود؛ ۳. عوامل و موانع تربیت: عوامل تربیتی مطرح می‌شوند که موجب حفظ و تحقق کرامت شده و در مقابل از موانع کرامت ذاتی و اکتسابی انسان بحث می‌شود؛ ۴. روش‌های تربیت: روش‌هایی در نظام تربیتی اسلام مورد استفاده قرار می‌گیرد که متناسب با کرامت ذاتی و اکتسابی انسان باشند.
	مینا: «انسان موجودی اجتماعی است».
۱۶	تأثیر در: ۱. اهداف: براساس این مینا اهداف با رویکرد اجتماعی تعریف می‌شوند و جامعه مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ ۲. اصول: اصل همه‌جانبه‌نگری با توجه به اجتماعی بودن انسان مطرح می‌شود؛ ۳. ساحت‌ها: از نظام تربیتی اسلام یکی از ساحت‌های تربیت، مربوط به ساحت اجتماعی می‌شود؛ ۴. روش تربیت: در روش تربیتی هم با روش‌هایی با توجه به اجتماع و رویکرد اجتماعی تعریف می‌شوند.
	مینا: «انسان‌ها از نظر استعداد متفاوت‌اند».
۱۷	تأثیر در: ۱. اهداف: اهداف با نگاهی فراگیر به گونه‌ای تعریف می‌شوند که همه انسان‌ها توان رسیدن به آن را داشته باشند؛ ۲. اصول: اصل تناسب و تعادل مطرح می‌شود؛ ۳. عوامل و موانع با توجه به استعدادهای متفاوت مورد نظر قرار می‌گیرند؛ ۴. روش‌هایی برای تربیت تعریف می‌شود که همه افراد انسانی توان اجرای آن‌ها را داشته باشند.
	مینا: «کاستی‌های انسان در توانایی، بینش و گرایش».
۱۸	تأثیر در: ۱. اثبات ضرورت تعلیم و تربیت؛ ۲. اهداف: اهداف میانی در راستای پرکردن خلأها و کاستی‌های انسان تعیین می‌شوند؛ ۳. اصل اعتدال و تناسب نیز مطرح می‌شود.
	مینا: «تأثیرگذاری و تأثیرپذیری انسان».
۱۹	تأثیر در: ۱. ساحت‌ها: ساحت‌های تربیت اسلامی به چهار ساحت الهی، شخصی، جمعی و طبیعی تقسیم می‌شوند؛ ۲. عوامل و موانع: عوامل تربیتی با دقت علیت حلقوی در نظام تربیتی اسلام، تعیین می‌شوند.
	مینا: «نیاز انسان به وحی برای رسیدن به کمال».
۲۰	تأثیر در: ۱. اهداف، اصول و روش‌های تربیت: اهداف، اصول، روش‌های تعلیم و تربیت با بهره‌مندی از معارف و حیانی تنظیم می‌شوند؛ ۲. عوامل، موانع، مراحل و ساحت‌های نظام تربیتی با توجه به آموزه‌های وحیانی شناسایی و تدوین می‌شوند.

— منابع —

قرآن کریم.

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۱). *الإشارات والتنبيهات*. تصحیح مجتبی زارعی. قم: بوستان کتاب.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴). *التعلیقات*. تحقیق عبدالرحمن بدوی. قم: مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.
- افلاطون (۱۳۹۸). *دوره آثار افلاطون*. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: خوارزمی، ج ۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). *ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد*. قم: الزهرا(س).
- حسینی، حکیمه (۱۴۰۰). *مبانی انسان‌شناختی قرآن در تمدن‌سازی تربیت‌محور (با تکیه بر تفسیر المیزان)*. پژوهش‌های تمدن‌نویان اسلامی، ۱(۲)، ص ۱۱۹-۱۳۸.
- دیشان، عقیل عباس (۱۳۹۵). *مبانی انسان‌شناختی، تربیت دینی در احادیث امیرالمؤمنین(ع)*. *مطالعات حدیث‌پژوهی*، ۱(۲-۱)، ص ۱۹-۴۲.
- رجبی، محمود (۱۳۹۰). *انسان‌شناسی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. محمد خواجوی. قم: بیدار، ج ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۳، ۱۰.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰). *رسالة الولاية*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فرههینی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). *پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت*. تهران: آییژ.
- فقیهی، علی‌نقی؛ شکوهی‌یکتا، محسن؛ شعبانی، حسن (۱۳۹۲). *مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (رویکردی خدامحور و حاکمیت قوانین الهی در مسانل تربیتی)*. *پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی*، ۱(۲)، ص ۹-۳۲.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (بی‌تا). *المحجة البيضاء*. محقق علی‌اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۵.
- کاپلستون، فردریک چارلز؛ مجتبی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۷). *تاریخ فلسفه: یونان و روم*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الأنوار*. تهران: مؤسسه الطبع و النشر، ج ۵۸، ۷۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸). *بحار الأنوار*. قم: دار إحياء التراث العربی، ج ۵، ۶۴، ۸، ۱۱، ۷۲.
- مصباح، مجتبی (۱۳۹۹). *فلسفه اخلاق*. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). *آموزش عقاید*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۴). *دروس فلسفه اخلاق*. تهران: اطلاعات.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). *به سوی خودسازی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). *دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ فتحعلی، محمود؛ یوسفیان، حسن؛ مصباح، مجتبی (۱۳۹۱). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: برهان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). *انسان کامل*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع) لاحیاء التراث، دار الکتب الإسلامیة، ج ۱۴.

نراقی، مهدی بن ابی ذر (بی تا). *جامع السعادات*. مصحح محمدرضا مظفر، مهدی بن ابیذر نراقی، و محمد کلانتر. قم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۱.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (بی تا). *اخلاق ناصری*. تهران: علمیه اسلامیة.
 نولن هوکسما، سوزان؛ اتکینسون، ریچاردسی (۱۳۹۰). *زمینه روانشناسی هیلگارد*. تهران: رشد.

